

بسم الله الرحمن الرحيم

روش‌شناسی

تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی

مقدمه

تبیین درست و دقیق دستاوردهای انقلاب اسلامی یکی از مهمترین راه‌کارهای خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمنان می‌باشد. در واقع، به سبب اهمیتی که دستاوردهای انقلاب اسلامی در پویایی و پایداری نظام جمهوری اسلامی ایران دارد، دشمنان تلاش می‌کنند تا با سم‌پاشی‌های روانی - رسانه‌ای، یا اصل وجود این دستاوردها را منکر شوند یا آنها را بی‌ارزش و فاقد اهمیت جلوه دهند.

در نقطه مقابل نیز دستداران انقلاب تلاش می‌کنند تا به شیوه‌های مختلف به ارائه و تبیین این دستاوردها پردازند. از مهمترین شیوه‌های رایج برای تبیین نیز ارائه آمار و ارقام مختلف درباره پیشرفت‌ها و تحولات کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بویژه در بعد اقتصادی است؛ شیوه‌ای که اگرچه تا اندازه‌ای راه‌گشا می‌باشد، اما با توجه به چالش‌ها و آسیب‌هایی که

هم اکنون در کشور وجود دارد، در برخی موارد با سؤال‌ها و ابهام‌هایی مواجه می‌شود از جمله اینکه اگر رژیم شاه ادامه می‌یافت، آیا این اندازه پیشرفت نمی‌کردیم یا اینکه در سال‌های بعد از انقلاب، کشورهای دیگر هم پیشرفت داشته‌اند، پس وجه بارز دستاوردهای انقلاب چیست؟

به اجمال باید گفت که در بحث از دستاوردهای انقلاب اسلامی، به هیچ وجه منظور آن نیست که ضعف‌ها، چالش‌ها و آسیب‌های موجود دیده نشود یا اینکه در این ۴۴ سال فقط جمهوری اسلامی ایران پیشرفت کرده و در هیچ جایی پیشرفتی رخ نداده است. نکته اساسی در این زمینه آن است که تحقق دستاوردها اولاً نسبی بوده است؛ یعنی به‌رغم تحقق دستاوردها، آسیب‌هایی هم حادث شده و ثانیاً وابسته به شرایط می‌باشد که در تبیین دستاوردها باید این موارد را مفروض گرفت. براین اساس، در این نوشته در تلاش هستیم به معرفی چند شیوه یا روش جهت تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامیدر معرکه نبرد روایت‌ها و جنگ‌شناختی بپردازیم تا مخاطبان و هادیان گرامی بتوانند با ترکیب این روش‌ها به جهاد تبیین و روایت‌گری این دستاوردها به صورت اقناعی بپردازند.

۱. روش تحلیل امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان شامل سه بخش اساسی دانست؛ تبیین ماهیت انقلاب اسلامی، برکات و دستاوردهای انقلاب اسلامی در گام اول آن و در نهایت، ریل‌گذاری آینده انقلاب و امیدواری نسبت به تحقق آن. روش تحلیل امام خامنه‌ای در این بیانیه در تحلیل دستاوردهای انقلاب اسلامی بدین ترتیب بوده که ابتدا به تشریح هفت سرفصل اساسی در زمینه‌ی برکات، دستاوردها و کارنامه عملکرد انقلاب اسلامی در گام اول آن پرداخته که می‌توان از آن تعبیر به «افتخار به گذشته» کرد.

سپس معظمله به بیان برخی از مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌رو در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و در واقع، عواملی که سبب فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها شده‌اند، پرداختند و در نهایت، ضمن تأکید بر «امیدواری و نگاه خوشبینانه نسبت به آینده»، هفت سرفصل اساسی را جهت تحقق گام دوم انقلاب مشخص کردند.

با توجه به آنچه گفته شد، معظمله با رویکردی که می‌توان آن را «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دانست به تحلیل دستاوردهای انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. در واقع، ایشان هم با افتخار از عملکرد انقلاب دفاع کردند و هم منشأ آسیب‌ها و ضعف‌های موجود مانند بی‌توجهی به ارزش‌های انقلاب و

جریان انقلابی را بخوبی تبیین کردند و در عین حال، ضمن ابراز امیدواری، افقی را برای حرکت انقلاب اسلامی در گام دوم آن مشخص کردند. بنابراین، در تبیین دستاوردهای انقلاب باید کوشید تا ضمن بیان هنرمندانه این دستاوردها، به ضعف‌ها و کاستی‌های موجود هم اشاره کرد، اما باید امیدواری داد که این ضعف‌ها نمی‌تواند مانع از تداوم حرکت بالنده انقلاب اسلامی بشود.

۲. تبیین همه‌جانبه

از جمله آسیب‌های جدی در تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی، اتکای صرف به تبیین‌های آماری و عددی آنها با تمرکز بر حوزه اقتصادی و عمرانی است. اگرچه این روش هم لازم است، اما قطعاً کافی نیست. در توضیح باید گفت دستاوردهای انقلاب اسلامی صرفاً اقتصادی نیست، بلکه مهمتر و فراتر از دستاوردهای اقتصادی و مادی، دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی است که معمولاً در تبیین دستاوردهای انقلاب کمتر به این حوزه توجه می‌شود.

به عنوان مثال، دستاوردهای انقلاب در تحقق نظام ولایی و مردم‌سالاری دینی در پرتو انقراض و منهدم کردن نظام سلطنتی، آزادی، ایجاد برابری

نسبی فرصت‌ها، احترام و پاسداشت حقوق اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی، تأمین استقلال کشور در برابر سلطه خارجی، احیای هویت شیعیان در سطح منطقه و جهان، زمینه‌سازی برای افول هژمونی بین‌المللی آمریکا و... به هیچ وجه کمتر از دستاوردهای مادی انقلاب در تأمین حداقل‌های رفاهی لازم برای جامعه نیست و در تبیین دستاوردهای انقلاب حتماً باید به این نکته توجه شود که در کنار ارائه آمار و ارقام کمی، باید به حوزه‌های کیفی و غیرمادی هم توجه داشت.

به عنوان مثال، ممکن است کسی هم اکنون از وضع اقتصادی موجود ناراضی باشد، اما وقتی برای او تبیین شود که بعد از انقلاب مثلاً روابط ارباب رعیتی از بین رفت، امکانات بیشتری برای تحصیل فراهم شد، طبقات پائین جامعه مورد توجه قرار گرفتند، اراده مردم در تعیین سرنوشت خود مهم تلقی شد، سلطه خارجی به پایان رسید و...، آنگاه ارزش دستاوردهای انقلاب برای او بیشتر مشخص می‌شود و بهتر متوجه می‌شود که از کجا به کجا رسیده‌ایم. کافی است به خفقانی که ساواک در کشور ایجاد کرده بود یا به میزان نفوذ آمریکا در ایران دوره پهلوی اشاراتی بشود، آنگاه اهمیت دستاوردهای انقلاب بیشتر مشخص می‌شود.

در همین زمینه باید یادآوری کرد که تأکید بر دستاوردهای تاریخی، بنیادی و تمدنی انقلاب اسلامی بسیار می‌تواند اثربخش باشد. به زبان ساده‌تر، باید به پاسخگویی انقلاب اسلامی به برخی از مهمترین گمشده‌های تاریخی ملت ایران توجه ویژه‌ای بشود. شاید بتوان گفت که علاوه بر آزادی (رهایی از استبداد شاهان)، دستیابی به توان دفاعی بازدارنده و نقطه‌زن بسیار تحسین‌برانگیز و حائز اهمیت است. در تبیین این مهم بویژه اگر توجه شود که ضعف توان دفاعی در گذشته چه مصایبی را برای ایران به بار آورده بود، بسیار اثرگذار خواهد بود.^۱

۳. اقتضات زمانه

از اساسی‌ترین نکات و بلکه شیوه‌هایی که در تبیین دستاوردهای انقلاب باید بدان توجه کرد، دقت در تغییر زمینه و زمانه است. به عنوان مثال، در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

- قبل از انقلاب، جمعیت کشور حدود یک سوم الان بود،
- قبل از انقلاب، بیش از نیمی از جمعیت کشور سواد نداشتند،

^۱ در این زمینه به گاهنامه‌ای که امسال به مناسبت روز صنعت دفاعی نوشته شد، مراجعه

فرمائید.

- قبل از انقلاب، حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در روستا زندگی می‌کردند،

- قبل از انقلاب، میزان مصرف و تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی به هیچ‌وجه به اندازه امروز نبود،

- قبل از انقلاب، تعداد رسانه‌ها بسیار محدود و آزادی انتشار مطالب مختلف وجود نداشت و ...

فراتر از همه این موارد، رژیم کودتایی و دست‌نشانده بر کشور حاکم بود که در عین سرکوب مردم، غلام حلقه به گوش بیگانگان و ژاندارم آنها در منطقه بود.

بعد از پیروزی انقلاب، وضعیت کشور در همه حوزه‌های ذکر شده در بالا دچار تغییر اساسی شد و متأثر از همه این تغییرات، امروزه در کنار افزایش سطح برخورداری‌های مردم، سطح آگاهی مردم و امکان مقایسه برای آنها فراهم شده؛ بدین ترتیب که مردم هم اکنون خود را نه با گذشته، بلکه با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند. پیامد این وضعیت، افزایش سطح توقعات مردم و گرفتار شدن مخاطب در پدیده‌ای است که «احساس محرومیت نسبی» نامیده می‌شود؛ وضعیتی که بیانگر فاصله میان توقعات و توانمندی‌ها است. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری احساس نارضایتی است.

غافل از آنکه از ابتدای انقلاب تا کنون، سطح برخورداری‌ها هم رشد کرده و اساساً این انقلاب بود که با ارائه خدمات مختلف، امکان افزایش سطح آگاهی و توانایی مقایسه خود با دیگران را فراهم آورد.

در همین زمینه باید اشاره کرد که وقتی جمعیت کشور حدود سه برابر رشد کرده، شهرنشینی بیشتر شده، نظام نیازهای افراد رشد تصاعدی داشته و...، طبیعی است که اداره کشور بسی دشوارتر از شرایط و زمانه‌ای است که این وضعیت در آن حاکم نبوده است. با این حال، وضع کشور در هیچ زمینه‌ای قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست؛ یعنی به‌رغم دشواری شرایط، باز انقلاب دستاوردهای قابل دفاعی داشته است.

۴. تبیین براساس ملاک‌های ارزیابی کارآمدی نظام‌های سیاسی

انقلاب اسلامی در ۴۴ سال گذشته دستاوردهای بی‌نظیری داشته که در ذات خود بسیار ارزشمند و با اهمیت است، اما در وجه مقایسه‌ای باید گفت که آنچه دستاوردهای انقلاب اسلامی را ارزشمند می‌سازد و کارنامه‌ی انقلاب را درخشان و در مقایسه با سایر کشورها، وزین و موفق‌تر می‌سازد، شرایط تحقق این دستاوردها می‌باشد؛ زیرا دستاوردهای هر نظام سیاسی را براساس سه مؤلفه می‌سنجند؛ اهداف، موانع و امکانات. یعنی اگر بخواهیم

در مورد دستاوردهای یک نظام سیاسی قضاوت بکنیم، باید دقت کنیم که آن نظام در چه شرایطی؛ یعنی با وجود چه امکانات و موانعی، به اهداف خود جامه عمل پوشانده است. براساس این مؤلفه‌ها، ممکن است دو عامل، به یک میزان در تحقق اهداف یکسانی موفق بوده‌اند، اما اینکه کدام یک را باید کارآمدتر بدانیم، وابسته به امکانات و موانعی است که آنها در تلاش برای تحقق اهدافشان، با آنها مواجه بوده‌اند؛ یعنی عاملی کارآمدتر ارزیابی می‌شود که در مقایسه با رقیب، با وجود امکانات کمتر و موانع بیشتر، توانسته است اهداف خود را نیز محقق کند.

براین اساس، می‌توان گفت که ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی بایستی باتوجه به موقعیت و شرایط پیش‌روی این انقلاب از ابتدا تاکنون باشد. به تعبیر دیگر، تحقق اهداف و نیل به دستاوردها، وقتی بیشتر اهمیت می‌یابد که در شرایط کمبود امکانات و فرصت‌ها، پیچیدگی شرایط، عدم اطمینان، عدم پایداری و... حاصل شده باشد یا اینکه در شرایط مذکور نیز قادر به ادامه‌ی تحقق دستاوردها باشد. به عبارتی، چون هیچ عاملی در خلأ عمل نمی‌کند و همواره در تبادل و تعامل با عوامل محیطی به سر می‌برد، که این عوامل محیطی خود منشأ ایجاد موانع و امکانات می‌باشند، کارآمدی هر عاملی بویژه زمانی مهم به نظر می‌رسد که آن عامل توانسته

باشد در شرایط کمبود و وجود موانع به اهداف خود نایل شده باشد. منظور این است که میان شرایط محیطی و کارآمدی (میزان تحقق اهداف و کسب دستاوردها) رابطه مستقیم وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه یک عامل در شرایطی پیچیده‌تر بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند، آن عامل کارآمدتر ارزیابی می‌شود و موفقیت آن در کسب دستاورد، ارزشمندتر تلقی می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، انقلاب اسلامی در حالی کشور را به وضع موجود رسانده که از ابتدا تا کنون با موانع متعددی چون تحریم و جنگ مواجه بوده است؛ موانعی که هر کدام از آنها می‌توانست اصل موجودیت یک نظام سیاسی را به خطر اندازد. بر این اساس، دستاوردهای انقلاب اسلامی در شرایطی پرمانع حاصل شده؛ شرایطی که هیچ مشابه دیگری ندارد. یکی از مهمترین وجوه بارز دستاوردهای انقلاب، همین شرایط استثنایی می‌باشد که در کشورهای دیگر مشابهی ندارد.

۵. تبیین براساس الگوی نظری جان فوران

جان فوران از پژوهشگران برجسته حوزه انقلاب‌ها، درباره انقلاب اسلامی ایران در کتاب «مقاومت شکننده» با توجه به داده‌های اقتصادی

اجتماعی، تحلیلی از چرایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ارائه کرده است. فوران در الگوی تحلیلی اقتصادپایه خود کوشیده است تا به بررسی تحولات حوزه‌های شهری و روستایی بپردازد و در این زمینه، برای هر بخش به تحلیل دو وجه تولید پرداخته است؛ در ارتباط با روستاها از دو وجه تولید کشاورزی دهقانی و عشایری و تحولات آنها بحث کرده و در شهرها نیز از دو وجه تولید خرده‌کالایی و سرمایه‌داری صنعتی و تحولات آنها بحث کرده است.

فوران این مدل تحلیلی را برای بررسی تحولات عصر صفویه تا پیروزی انقلاب اسلامی به کار برده و تحولات بعد از انقلاب را بررسی نکرده است. با بهره‌گیری از این مدل فوران می‌توان به تبیین دستاوردهای انقلاب؛ یعنی تحولات دوره جمهوری اسلامی ایران پرداخت. مزیت این مدل آن است که در مقایسه با گذشته، بخوبی هر یک از دستاوردهای انقلاب را در جای مناسب خود نمایان می‌کند که در ادامه به صورت مختصر این کار را انجام می‌دهیم.

۱. وجوه تولید در روستاها: قبل از انقلاب، ۱۴ درصد نیازهای غذایی کشور از خارج وارد می‌شد، در فاصله سال‌های ۵۶-۱۳۵۱، ۳۸ درصد

روستائیان از سوء تغذیه رنج می بردند و چهار درصد نیز شدیداً سوء تغذیه داشتند که این وضعیت هم اکنون بشدت تغییر کرده است.

۲. وجوه تولید در شهرها: در این زمینه، بویژه رشد صنعتی کشور قابل

توجه است که به نسبت گذشته، غیر قابل مقایسه است. رشد صنعت کشور در تولید فلزات اساسی، سیمان، محصولات پتروشیمی، کاشی و سرامیک و... قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. به منظور رعایت اختصار، مخاطب را به آمارهایی که قبلاً در این زمینه‌ها منتشر شده ارجاع می دهیم (بویژه کتابچه روایت دستاوردهای انقلاب).

نکته مهم در تبیین دستاوردهای انقلاب براساس این مدل، پی بردن به کاهش شکاف امکاناتی شهر و روستا در بعد از انقلاب است؛ زیرا قبل از انقلاب، عمده امکانات در شهرها متمرکز بود و در روستاها، به رغم اینکه عمده جمعیت در روستاها بود، مردم از حداقل امکانات محروم بودند.

به عنوان سخن پایانی باید گفت که به سبب دشواری کار تبیینی در شرایط کنونی که با پیچیدگی‌های جنگ شناختی دشمن و کاستی‌های معیشتی و اقتصادی درگیر هستیم، مطالب و محتواهای خوب را باید بتوان در شکل و قالب‌های مناسب و جذاب و البته کوتاه ارائه کرد. براین اساس،

باید بتوان با استفاده از شیوه‌های کوتاه و گویا مانند ساخت کلیپ در این
زمینه فعالیت‌های اثربخش داشت.